

عنوان مقاله:

روایت در قصه های استاندل

محل انتشار:

پژوهشنامه ادب حماسی، دوره 7، شماره 11 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

محمد نیری وند - استادیار دانش کده ادبیات و زبان های خارجی دانش گاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

شقایق حاجی سید تقیا - دانش جوی سال آخر دکتری ادبیات فرانسه دانش گاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

خلاصه مقاله:

در روایت یک قصه، این موضوع که نویسنده کیست؟ چه تفاوتی با روایت گر قصه دارد؟ قصه با چه ضمیری روایت می شود؟ دیدگاه نویسنده چیست؟ سبک نوشتار او چگونه است؟ و پرسش هایی دیگر از این قبیل، از اهمیتی اساسی برای موفقیت فنی قصه، درک آن و ارتباطی که بطور مداوم با روند معنایی حفظ می کند، برخوردار است. استاندل از نویسندگان بزرگ قرن نوزدهم میلادی در ادبیات فرانسه، صاحب رمان های موفق به خاطر شیوه روایت ویژه خود است. در این مقاله سعی شده تا جایی که امکان دارد به بحث و بررسی دیدگاه های مختلف روایت قصه پرداخته و در یک مقایسه ساده آثار این نابغه قرن با آثار بالزاک، ابرمرد رمان فرانسوی، دلیل موفقیت و محبوبیت قصه های استاندل بازگو شود و ارزش کار نویسنده نیز مورد بررسی قرار گیرد؛ یعنی کسی که قصه را امضا می کند و به عنوان روایت گر در اندرون قصه آن را روایت می کند، مورد شناسایی قرار خواهد گرفت. تقریباً اکثر مطالب، به وسیله علم نوین روایت شناسی (Narratology) قابل توجیه و توضیح است.

کلمات کلیدی:

روایت دیدگاه درونی دیدگاه بیرونی شرح و توصیف میدان دید

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1541847>

